

تاریخ: ۱۴۰۳/۰۲/۲۲

الاسلام هو الحل! اسلام تنها راه حل است!

▼ جابجایی قدرت و تغییر قطب بندی، امروز بحثی رایج در ادبیات سیاسی جهان شده است! این جابجایی قدرت های بزرگ، در چند قرن اخیر همواره وجود داشته و متأثر از آن، روندهای جهانی نیز تغییر کرده است. اما این جابجایی ها همراه با حفظ بنیان های نظم سکولار است، همان بنیانی که محور مقاومت به رهبری انقلاب اسلامی، در تقابل با آن شکل گرفته و نفس میکشد. اما چرا مسلمانان در دهه های اخیر به تغییر روندها و قطب بندی های سیاسی اکتفاء نمی کنند و برای نابودی بنیان های نظم سکولار، به چالش با نظم بین الملل جهانی برخاستند؟

▼ در تجربه تاریخی ما مسلمانان، مواجهه ای با نظام بین الملل مدرن وجود دارد که انواعی از تجارب را برایمان رقم زده؛ یعنی سازماندهی های مختلفی داشتیم و از ایدئولوژی های متفاوتی وام گرفتیم اما در چند دهه اخیر، برخی از مسلمانان به مرحله ای رسیدند که متوجه شدند اگر ما به سراغ نظم اسلامی نرویم، نمی توانیم با وام گرفتن از سایر نظم ها، مشکلات خودمان را برطرف کنیم.

▼ آنها باور دارند تنها نقطه کانونی که میتواند مسلمانان را از وضعیت کنونی نجات دهد، نظم اسلامی است. این باور بنیادین در ساحت اندیشه با انقلاب اسلامی به ساحت عملی کشانده شد. حتی وائل خلاق هم که مسلمان نیست، در کتاب الدوله المستحیله باور دارد که نظم اسلامی اگر محقق شود، دردسرهای نظم کنونی را حل میکند.

▼ نکته اساسی آن است که تحقق نظم اسلامی درون نظم مدرن امکان ندارد و لازم است بنیان نظم مدرن کنده شود. «الاسلام هو الحل» که در میان اندیشمندان مسلمان مطرح شد، بنابر همین آزمون تاریخی شکل گرفت که ما نمیتوان درون نظمی که اسلامی نیست، بازی ای را رقم بزنیم که نتایج اسلامی بگیریم.